

بایزید بسطامی

عهد ما باللب شیرین دهنان بست خدای

ما همه بنده و این قوم خداوندانند

از بخت بلندم سالهاست با مکتوبات عرفانی و آثار دل‌انگیز و روح‌نوازِ عرفای سنت خراسانی؛ بزرگانی چون بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابوالخیر، فریدالدین عطار نیشابوری، جلال‌الدین بلخی، علاء‌الدوله سمنانی.. مانوسم و در هوای آنها دم زده و اوقات خوشی را تجربه کرده‌ام.

چند صباحی است درباره احوال و اقوال بایزید، سالک بزرگِ قرن دوم و سوم هجری که به سلطان العارفین موسوم است و تاثیر چشمگیری بر پسینیان خود گذاشته، می‌خوانم و تأمل می‌کنم. در این میان، از آثار نیکوی «ارزش میراث صوفیه»، نوشته عبدالحسین زرین‌کوب؛ «دفتر روشنایی»، نوشته محمد سهلکی، ترجمه و تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی و «بایزید بسطامی»، نوشته عبدالرفیع حقیقت استفاده‌های بسیار کرده‌ام. جنید بغدادی، از عرفای بزرگ قرن سوم، از طریق ابوموسی، برادرزاده بایزید که ظاهراً نزدیک‌ترین شاگرد معنوی او بوده، با اندیشه‌های این عارف بزرگ آشنا گشت و آنها را به عربی برگرداند و شرحی بر آن نوشت. فقراتی از این کار جنید در اثر «اللّمع»، نگاشته ابونصر سراج ذکر شده است.

بایزید، از نخستین کسانی است که مبتنی بر تجربه زیسته خود، مفهوم «فناء» را وارد ادبیات صوفیانه کرده است. آراء و آموزه‌های بایزید در این باب، سپس در آثار عرفانی مهمی چون «تذکره الاولیاء» و «مثنوی معنوی» صورت‌بندی شده و بسط یافته است.

به سبب اقوال نامتعارف و شاد، بارها بایزید مورد طعن و اعتراض اهل ظاهر قرار گرفت؛ به نحوی که، چنانکه نوشته‌اند، چند بار برای مدتی بسطام را ترک کرد. نزاع میان اهل شریعت و اهل طریقت، قصه پر غصه‌ای است که قدمتی به بلندای تاریخ تصوف در دیار ما دارد.

برخلاف مکتب ابن عربی و شاگردانش که بیشتر از جنس تفلسف است و متافیزیکِ صلب و سختی دارد و بهره‌چندانی از ذوق عرفانی نبرده؛ با آموزه‌های مکتب عرفان خراسان بر سر مهرم و معتقدم می‌توان از اخگرها و بارقه‌های مندرج در آن، برای سامان بخشیدن به سلوک معنوی در روزگار راززدایی شده و پر تب و تاب کنونی، بهره‌های وافیه برد. به سهم خُردِ خویش، در سلسله مقالات ده‌گانه «طرحواره‌ای از عرفان مدرن» که اکنون در «آبی دریای بیکران» ام منتشر شده، در این وادی گام زده، به بازخوانی انتقادی همدلانه میراث عرفانی پس‌پشت همت گمارده و «فلسفه عرفان» ای به روایت خویش بر ساخته‌ام.

بنا دارم، تأملات و تبعات خویش درباره احوال و اقوال بایزید بسطامی را به زودی در قالب چند سخنرانی با دوستان همدل در شهر تورنتو در میان گذارم.